

آثار اعتقاد به نظام احسن در تحقق سلامت معنوی

نویسندگان:

حبیباله یوسفی^{۱*}، مرضیه عبدالکریمی نطنزی^۲

چکیده

زمینه و هدف: سلامت معنوی به لحاظ اختلاف در مفهوم معنویت، جهان بینی و نظام های ارزشی، مقوله پیچیده ای است که با توجه به بینش خاص هر گروهی، تعریفی خاص می یابد. از طرفی اعتقاد به نظام احسن متضمن خدانشناسی، جهان شناسی، انسان شناسی و معادشناسی است. اعتقاد به نظام احسن به عنوان آموزه ای عقلانی در ادیان آسمانی می تواند راهبردهای موفقی در تحقق سلامت معنوی ارائه کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر اعتقاد به نظام احسن در تحقق سلامت معنوی صورت گرفت.

روش کار: این مقاله به روش کتابخانه ای (منابع چاپی، نرم افزاری، دیجیتال) و شیوه توصیفی - تحلیلی نگاشته شد. جایگاه انسان در نظام احسن، هدف از خلقت هستی به ویژه انسان، اهمیت سلامت معنوی و آثار اعتقاد به نظام احسن در تحقق سلامت معنوی با استدلال های عقلی و مستندات قرآنی بررسی شد.

یافته ها: شناخت نظم حاکم بر جهان، درک موقعیت ممتاز انسان نسبت به سایر موجودات و باور به اصالت و بقای روح، سبب فهم هدف اصلی خلقت؛ یعنی کمال روح انسان است. انسان با تکیه بر براهین عقلی و فطری می فهمد؛ با اتکاء عقلانی صرف بر فهم خویش، نمی تواند به هدف نهایی خلقت؛ یعنی تکامل روح دست یابد. بلکه لازمه تحصیل کمال عالی، کسب سلامت معنوی از طریق بهره مندی از آموزه های وحیانی، الگو برداری از انبیاء الهی و عقل به عنوان لوازم تکوینی و تشریحی نظام احسن است.

نتیجه گیری: اعتقاد جدی به نظام احسن موجب تحقق سلامت معنوی و از مقومات آن است. سلامت معنوی موجب معنایابی زندگی، نشاط معنوی، رضایت مندی از مقدرات الهی، دفع اضطراب مرگ، تعامل صحیح با جامعه و طبیعت و در نهایت سعادت ابدی می شود.

کلیدواژه ها: انسان، دین، سلامت معنوی

مقدمه

مؤلفه ها و شاخص های سلامت معنوی باشد، با استفاده از براهین عقلی و فطری و مؤیدات قرآنی، به هدف بررسی «تأثیر اعتقاد به نظام احسن بر تحقق سلامت معنوی» نگاشته شده است. تبیین سلامت معنوی و راهکارهای تحقق آن از مسائل مطرح و مهم جامعه معاصر است و بررسی تأثیر اعتقاد به نظام احسن، در تحقق سلامت معنوی به لحاظ کاهش آمار آسیب های روحی و تدبیر معضلات اجتماعی، بسیار اهمیت دارد.

بررسی های صورت گرفته نشان می دهد؛ کتب و مقالات چاپ شده در زمینه سلامت معنوی، به طور عمده به توضیح مفهوم، رهیافت ها و عوامل سلامت معنوی پرداخته اند، یا تأثیر سلامت معنوی را بر گروه های مختلف سنی و صنفی بررسی کرده اند. همچنین کتب و مقالاتی که درباره «نظام احسن»

صاحبان علم و اندیشه پس از سال ها تلاش در زمینه تأمین سلامتی همه جانبه انسان ها، به ناتوانی بشر مدرنیزه، از حل تمام مسائل روانی، معنوی و اجتماعی معترف شدند. بنابراین تأثیر جدی معنویت در ارتقای سلامت و معنایابی زندگی را باور کرده، در نتیجه بعد جدیدی از «سلامت» تحت عنوان «سلامت معنوی» (Spiritual health) را مطرح کردند. اما به خاطر تعابیر متفاوتی که از معنویت دارند در تشخیص مبانی، شاخص ها و کارکردهای سلامت معنوی دچار اختلاف و انحراف شده، طیف وسیعی از مفهوم سلامت معنوی ارائه دادند. بررسی ها نشان می دهد راه حل این اختلاف نظرها، استفاده توأمان عقل و وحی است. به نظر می رسد از آموزه های عقلانی در ادیان آسمانی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) که مؤثر بر تحقق سلامت معنوی است، اعتقاد به «نظام احسن» است. نظام احسن؛ برترین نظام موجود آفرینش است که تصور نظامی برتر از آن به طور عقلی محال است. این مقاله بدون آنکه در مقام تعریف و تبیین هر یک از مبانی،

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کاشان، ایران

* نشانی نویسنده مسئول: ha_usofi@yahoo.com شماره تماس: ۰۹۱۳۳۶۱۱۱۲۱

۲. طلبه حوزه علمیه کوثر کاشان

وجود دارد، این مسأله را با رویکردهای کلامی و فلسفی و از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف به‌ویژه ملاصدرا و ابن‌سینا، به کرات مورد مطالعه قرار داده‌اند. تنها دو مقاله یافت شد که اولی با عنوان «پیامدهای تربیتی آموزش نظام احسن از دیدگاه اسلام» به ادله قرآنی استناد کرده و بررسی تطبیقی با مسائل تربیتی اسلامی داشته است. دومی نیز با عنوان «قرآن، نظام احسن و سبک زندگی در عصر تکنولوژی» به چیستی و ضرورت نظام احسن پرداخته، سپس تأثیر تکنولوژی بر اختلال در نظام احسن را بررسی کرده است. مقاله حاضر، جدید و از هر نوع موازی‌کاری به دور است.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی با استفاده از نرم‌افزار جامع‌التفاسیر، جامع‌الاحادیث، مجموعه آثار شهید مطهری و نیز کتابخانه‌های دیجیتالی انجام شد. در ساختار این مقاله ابتدا به بررسی جایگاه انسان در نظام احسن آفرینش پرداخته شد، تا هدف از خلقت هستی به‌ویژه انسان تبیین شود. در پی تشریح ساحت‌های وجودی انسان و هدف از خلقت او، اهمیت سلامت معنوی تصریح شد. سپس ارتباط نظام احسن با سلامت معنوی توجیه و آثار اعتقاد به نظام احسن در تحقق سلامت معنوی بیان شد. مباحث مذکور ابتدا به روش عقلی اثبات شد. در ادامه از آیات قرآن به عنوان مؤید کلام استفاده شد.

یافته‌ها

تبیین نظام احسن

معناشناسی نظام احسن

نظم: در لغت به معنای تألیف و انضمام یک شیء با شیء دیگر است (۱) و نظام؛ بسان رشته‌ای است که مروارید و امثال آن را در کنار هم پیوسته و جمع کند (۲).

حُسن: به معنی هر چیز سرورآور و خوشایند (۳) و مقابل زشت و بدی است. این معنا در موضوعات مادی یا معنوی، در قول یا در عمل یا در صفات قلبی است (۴). احسن اسم تفضیل از ماده حُسن است و معنی برتری دارد.

تعریف نظام احسن

نظام احسن یعنی «نظام این عالم بهترین و زیباترین نظام است و هیچ‌گونه نظامی مافوق آن قابل تصور نیست» (۵). به عبارت دیگر «نظامی است که موجب تحقق کمالات وجودی بیشتر و بالاتری باشد، یعنی سلسله‌های علل و معلولات مادی به‌گونه‌ای آفریده شوند که هر قدر ممکن است مخلوقات بیشتری از کمالات بهتری بهره‌مند شوند، و این همان است که در لسان فلاسفه به نظام احسن نامیده می‌شود» (۶). «در این نظام سلسله‌های علل و معلولات مادی به‌گونه‌ای تحقق می‌یابند که در مجموع

دارای کمالات وجودی بیشتری باشند، یعنی جهان دارای نظام احسن باشد» (۷). در تعاریف نظام احسن، «از محورهای مختلفی چون حکمت الهی، عدالت، قدرت، اتقان صنع، نظم، کمال ذاتی، کمال فعلی، حسن و قبح، مصالح و مفاسد، مسأله شرور، عنایت ازلی و...» (۸) استفاده می‌شود. نظام احسن با دلیل لَمّی و آتی قابل اثبات است (۹، ۱۰). در برهان لَمّی با عنایت به شماری از صفات الهی چون علم، حکمت و عنایت، قدرت و فیاضیت، احسن بودن نظام آفرینش را درمی‌یابند. اما در استدلال آتی، از طریق معلول به علت می‌رسد؛ یعنی از طریق مشاهده و بررسی نظم و اتقان صنع موجودات عالم، به بی‌همتایی حسن نظام خلقت یعنی همان نظام احسن پی می‌برند.

نظر سایر اندیشمندان در مورد نظام احسن

نظام احسن به‌عنوان یک مسأله عقلی در میان برخی غیرمذهبی‌ها و نیز عموم ادیان آسمانی مطرح و مقبول بوده است. سقراط (۱۱)، افلاطون (۱۲)، افلوپین (۱۳)، لایب‌نیتس (۱۱)، یهودیان چون ابن‌میمون (۱۴) و مسیحیان چون آگوستین قدیس (۱۳) نظام آفرینش را به‌عنوان سوق‌دهنده به نیکی‌ها، بهترین جهان و کامل‌ترین عالم، قبول داشتند. همچنین متکلمین اسلامی (۱۵) و فلاسفه نیز به نظام احسن معتقدند. گرچه در مبنا و منشأ این نظام اختلاف دارند. از جمله ایشان، ابن‌سینا (۱۱)، سهروردی (۱۶) و ملاصدرا (۱۱) است. تعبیر قرآن از نظام آفرینش «أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون/ ۱۴ و صافات/ ۱۲۵) است. از آنجا که پیش‌فرض این تحقیق، اعتقاد به نظام احسن در ادیان آسمانی است، بنابراین از نظریه‌پردازی راجع به نظام احسن صرف‌نظر شده، جایگاه انسان در این نظام مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

جایگاه انسان در نظام احسن

در نظام احسن ساختار جسم انسان نسبت به بعضی موجودات اسفل و نسبت به برخی دیگر اعلی است. نکته مهم، جایگاه حقیقت انسان نسبت به سایر موجودات و پدیده‌های هستی است. با نگاهی ژرف‌نگر در نظام آفرینش معلوم می‌شود با حذف اشیاء و پدیده‌های عالم یا اختلال در فعالیت آن‌ها، انسان نابود می‌شود. پس اشیاء و پدیده‌های عالم در حیات انسان مؤثرند. اما با حذف انسان، اشیاء و پدیده‌های عالم نه تنها نابود نمی‌شوند؛ بلکه حتی فعالیت‌شان مختل هم نمی‌شود، پس انسان در حیات اشیاء و پدیده‌های عالم مؤثر نیست. از مقایسه این دو عبارت می‌توان نتیجه گرفت؛ همه عالم در خدمت انسان و برای ادامه حیات او خلق شده و بقیه کائنات تحت الشعاع خلقت انسان قرار دارند. قرآن کریم با بیان عباراتی چون «خَلَقَ لَكُمْ» (بقره/ ۲۹)، «سَخَّرَ لَكُمْ»، (رعد/ ۲ و ۱۵ آیه دیگر)، «جَعَلَ لَكُمْ» (بقره/ ۲۲ و ۲۱ آیه دیگر)، «يُزِجِي لَكُمْ» (اسراء/ ۶۶)، «أَنْشَأَ لَكُمْ» (مؤمنون/ ۷۸) خدمت‌گزاری سایر موجودات برای انسان را تأیید می‌فرماید.

جسم و روح با یکدیگر تعامل دارند (۲۲) و جسم مرکب روح است. بنابراین صحت جسم در جای خود مهم است، اما چون معنا و حقیقت انسان و مایه بقای وی، روح او است، (۱۹) پس می‌توان گفت هدف اصلی خداوند از آفرینش عالم، تعالی و تکامل روح انسان است، نه جسم وی.

«تکامل انسان گاه در مراتب بالای سلامت و رشدیافتگی، هماهنگ، موزون و بدون نقص حاصل می‌شود و گاه به‌عنوان یک مفهوم نسبی دارای مراتب مختلف است که نسبت به فراتر از خود ناقص و نسبت به فروتر از خود کامل است» (۲۳). در هر صورت از آن‌جا که کمال به معنای نبود نقصان است، پس تزکیه روح و باطن، مقدمه کمال است. در قرآن سه مرتبه تزکیه مقدم بر علم شده (بقره/۱۵۱؛ آل عمران/۱۶۴؛ جمعه/۲) و این ترتیب، خود گواه اهمیت تزکیه است. در اثر تزکیه، خبث و بیماری‌های معنوی، از نفس فاصله گرفته، سلامت معنوی پدیدار می‌شود. بنابراین کمال روح متوقف بر سلامت آن است. بنابراین سلامت روح مهم است. سلامت روح علی‌الظاهر غایت اصلی خلقت نیست، اما چون تنها شرط تحقق کمال است؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلی/۱۴) و «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس/۹) پس اولین گام در راستای تحقق هدف خلقت است. بنابراین اعتقاد به نظام احسن پس از اولویت‌بخشی به بعد غیرمادی انسان، یعنی روح او، مبین اهمیت سلامت روح وی و بستر تحقق آن نیز هست. از آن‌جا که معنویات برخاسته از بعد معنوی و باطن و نفس انسانی است، از سلامت روح به‌عنوان سلامت معنوی تعبیر می‌کنند.

تبیین سلامت معنوی

معناشناسی سلامت معنوی

سلامت: در لغت؛ به معنای کنار بودن از آفات ظاهری و باطنی است (۲۴).
معنویت: در لغت؛ به معنای معنوی بودن، منسوب به معنی، مقابل لفظی (۲۵) و حالتی از نفس و باطن انسان است (۲۶).

تعریف سلامت معنوی

برای معنویت تعاریف مختلفی وجود دارد. «از عالی‌ترین رابطه انسانی تا جستجوی یک معنای وجودی، تا بعد متعالی انسان، تا نظرات و رفتارهای شخصی که حس تعلق به یک بعد متعالی یا چیزی فراتر از خود را بیان می‌کند» (۲۷). به طوری که معنویت را گاهی متباین با دین و عقل و گاهی منحصر به معنویت دینی می‌دانند (۲۸) و گاهی براساس مبانی سکولاریستی و اومانیستی آن را تعریف می‌کنند. اما شهید مطهری معنویت را امری درون نفس خود انسان معرفی می‌کند (۲۹).

به هر تقدیر با ظهور ناتوانی مدرنیته در حل تمام مسائل روانی و چالش‌های اجتماعی و اعتراف به نیاز مبرم به اعتلای معنویت انسان‌ها، سازمان بهداشت جهانی (W.H.O) در مصوبه‌ای اعلام کرد: «بعد معنوی، بخش جدانشدنی در استراتژی‌های سلامت در کشورهای عضو سازمان جهانی

همچنین تأمل در رفتارهای انسان حاکی از اراده، اختیار و قدرت وی بر انجام یا ترک فعل است. پس سرنوشت آدمی، در اثر رفتارهای مختارانه و امتحاناتی که به آن مبتلا می‌شود تعیین می‌شود؛ در صورتی که سایر جانداران بر انجام وظایف خویش مجبورند و در نظام احسن جبرا سرنوشتی محتوم و تخلف‌ناپذیر دارند.

البته گرچه غرض اصلی پروردگار از خلقت آفرینش، انسان است، اما این موضوع به معنی بیهودگی آفرینش سایر مخلوقات نیست؛ بلکه سایرین نیز، از آن‌جا که زمینه‌ساز حیات انسان هستند، خلقتی حکیمانه دارند و در مجموعه نظام هستی، خلقتشان هدفمند است. اما هدف از خلقت انسان چیست؟

هدف از خلقت انسان در نظام احسن

هر انسانی پس از گذران زمانی مشخص، می‌میرد و جسمش پوسیده و فانی می‌شود. آیا خلق شبکه معظم جهانی آفرینش و تکرار میلیونی عظمت آن، تنها به خاطر گذران چند دهه حیات مادی و رشد جسمی انسان است؟ چنین دورنمایی برای یک نظام احسن، عاقلانه نیست و تصور این برنامه‌ریزی ناقص علم و حکمت الهی است. به‌ویژه آن‌که انسان‌ها در طول حیاتشان، گاه به یکدیگر ظلم کرده‌اند و گاه خدمت، ظلم و خدمتشان، نه به جبر بلکه به اختیار بوده است.

به‌علاوه با فنانی جسم انسان‌ها، آثار جور و لطفشان هم فانی خواهد شد و چه بسا آیندگان تعریفی متفاوت از ارزش‌ها و ضد ارزش‌های نسل‌های قبل ارائه دهند و پیشینیان را تقدیر یا تقبیح کنند. پس محال است نظام احسن به این عظمت و سابقه تاریخی، تنها به خاطر رشد جسم انسان خلق شده باشد.

از نظر ادیان آسمانی «انسان تک‌ساحتی نبوده و مرکب از جسم و روح است» (۱۷). «روح یک حقیقت ماوراء طبیعی است که ساختمان و فعالیت آن غیر از ساختمان و فعالیت جهان ماده است و با اینکه دائماً با جهان ماده ارتباط دارد، ولی ماده و یا خاصیت ماده نیست» (۱۸). «یک روان‌پژوه می‌گوید روح مخلوقی است که اعضاء و جوارح آدمی را در خدمت خود می‌گیرد. آن وجود متفکری که در اعماق مغز در فعالیت است و مغز را آلت خود قرار می‌دهد، این همان روح است. آنچه را چشم می‌بیند و آنچه را گوش می‌شنود و آنچه را حواس دیگر درک می‌کند همه آن‌ها آلاتی هستند که روح از آن‌ها استفاده می‌کند» (۱۹).

وجود روح علاوه بر اینکه مورد تأیید ادیان الهی است، بعضی صاحب‌نظران ادیان غیر الهی نیز نظیر سیمپاس، کیس، سقراط و افلاطون نیز قائل به وجود روح هستند (۲۰، ۲۱). بر خلاف جسم فانی، روح باقی است (۱۷) و «بر تمام عضلات و اعصاب حکم فرماست» (۱۹). این روح انسان است که اندیشه می‌کند، تصمیم می‌گیرد و جسم را به رفتار وادار می‌کند. پس پرورش روح مهم است. البته این سخن هرگز به معنی بی‌اهمیتی به پرورش جسم نیست. چرا که مشهور است عقل سالم در بدن سالم است. از طرفی

بهداشت است» (۳۰). همچنین در تعریف سلامت، بعد چهارمی را با عنوان سلامت معنوی لحاظ کرد و با بازنگری در مفهوم سلامت، آن را این‌طور تعریف کرد: «سلامت یک حالت دینامیک از تأمین رفاه کامل جسمی، اجتماعی و معنوی است و نه فقط نبودن بیماری و نقص عضو» (۳۱).

«مفهوم سلامت معنوی از نیم قرن پیش در کنار سه بعد جسمی، روانی و اجتماعی، به‌عنوان بعد چهارم سلامت، مورد توجه و عنایت پزشکان، اندیشمندان و روانشناسان قرار گرفت» (۳۲). عده‌ای معتقدند معنویت فراتر از مذهب است (۳۳). به همین دلیل از اصطلاح «سلامت معنوی» استفاده کردند نه «سلامت مذهبی» (Religion health) اما علی‌رغم کثرت پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، هنوز در تعریف سلامت معنوی، ابهام (۳۴) و چندگانگی است (۳۵). یکی از علل این امر، اختلاف در مبانی و ارکان معنویت است؛ زیرا «سلامت معنوی در هر فرهنگ، مطابق موازین شناخته‌شده آن فرهنگ تعریف می‌شود» (۳۴).

از آنجاکه تحقیق حاضر براساس معتقدات کلی و اصول مشترک بین اهل کتاب چون توحید، نبوت، معاد، تکالیف الهی، حقوق و اخلاق عالی انسانی شکل می‌گیرد، بنابراین تعریف و تبیین معنویت، متوقف بر مشترکات اعتقادی الهیون است. از نظر الهیون معنویت عبارت است از ارتباط قلبی انسان با خدا که تأثیرگذار بر سبک زندگی انسان است. بر این مبنا نگارندگان، دو تعریف از بین تعاریف مختلف سلامت معنوی را برگزیده و به‌عنوان بهترین تعریف مطرح کرده‌اند:

۱. «سلامت معنوی وضعیتی است دارای مراتب گوناگون، که در آن متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرد، بینش، گرایش و توانایی لازم برای تعالی روح که همان تقرب به خدای متعال است فراهم است. به‌گونه‌ای که همه امکانات درونی به‌طور هماهنگ و متعادل می‌توانند در راستای هدف کلی مزبور به‌کار گرفته شوند و همراه با امکان انتخاب، رفتارهای اختیاری درونی و بیرونی متناسب با آن‌ها نسبت به خدا، فرد، جامعه و طبیعت ظهور یابند» (۳۶).

۲. «سلامت معنوی وضعیتی است هدفمند و معنادار از حیات انسانی که حاصل ایمان و اعتقاد و ارتباط فرد با قدرت و کمال لایتناهی الهی و زندگی ابدی پس از مرگ است. سلامت معنوی به نشاط، امید، رضایت‌مندی، اطمینان قلبی، آرامش و داشتن قلب سلیم در فرد و رستگاری در دنیا و آخرت منجر می‌شود و ارتباط پویای مبتنی بر مکارم اخلاق، عشق و محبت با خود، دیگران و جهان پیرامون ایجاد می‌کند» (۳۶).

در یک کلام سلامت معنوی مربوط به سلامت روح و نفس انسان بوده و عبارت است از: مجموعه‌ای از باورهای صحیح به مبدأ و معاد که رفتار انسان را برای رسیدن به سلامت ابدی تنظیم می‌کند.

نظام احسن بستری برای تحقق سلامت معنوی

نوع انسان موجودی سودجو، رفاه‌طلب و ابدیت‌گراست و برای رسیدن

به منفعت مداوم خویش از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. وی گرچه موجودی اجتماعی است؛ اما مرز خیر و شر را براساس منافع خویش تعریف می‌کند و هنجار و ناهنجار را براساس عایدات خویش رقم می‌زند؛ «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» (معارج/۹۱).

همچنین آدمی گرچه صاحب عقل و فطرت است، اما عقل ادراکاتش محدود و خطاپذیر بوده، تحت تأثیر شهوت و اختیار ممکن است به بیراهه رود. فطرت نیز محتمل است مغفول و محجوب مسائل مادی واقع شود. بنابراین انسان به اتکاء عقل و فطرت، از تبیین مبانی معنویت برای تحقق سلامت معنوی عاجز است. اگر بنا بود عقل و فطرت دو علت‌تامه برای سلامت روح باشند، هر انسان عاقلی، کامل شده، اختیار، اراده و تلاش معنای خود را از دست می‌داد و حیات انسان بی‌هدف می‌شد.

همچنین مسائل معنوی مربوط به باطن و روح بوده و جمهور علماء، گرچه بر اصالت و بقاء روح متفقند؛ اما شناخت آنان از روح همچنان مجهول است و نظام معرفتی یقین‌آور و روشنی از روح ندارند. قرآن کریم نیز حقیقت روح را تبیین نفرموده و آن را امری از جانب پروردگار می‌داند؛ «...قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي...» (اسراء/۸۵).

از طرفی اقتضای نظام احسن آن است که هر موجودی رو به کمال رود. اگر این انسان عاجز که تنها موجود مکرم خلقت است؛ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء/۷۰) در این نظام، بدون برنامه و دستورالعمل رها شود؛ هم ناقض حکمت الهی است، هم ناقض احسنیت نظام است. چون نظام احسن آفرینش به هدف تکامل مخلوقات به‌ویژه انسان آفریده شده و همه موجودات نظام هستی، از همه امکانات مورد نیاز جهت تأمین نیازهایشان بهره‌مندند. خداوند هر آنچه را که هر موجودی جهت تکامل نیاز داشته به وی بخشیده است؛ «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/۵۰) پس «از همان آغاز، انجام جهان را در طرح کلی نظام احسن دیده» (۳۷) و میان این آغاز و انجام، انسان را نه عنصری مستقل؛ بلکه با احتساب عضوی از مجموعه نظام احسن، امیال و غرائز جسمی و نیازهای روحی او را بها داده و در راستای هدف غایی خلقت که همان کمال روح است، برنامه‌ای تنظیم کرده که همسو با هدف خلقت، شئون انسانی و منطبق با عقلانیت است. پس «نظام احسن منحصر در عالم تکوین نبوده، نظام تشریح را نیز شامل می‌شود» (۳۸).

به‌طور طبیعی امکان تعلیم و تعلم مستقیم بین خداوند و بنده وجود ندارد. البته مشکل از فاعلیت فاعل نیست، بلکه قابلیت قابل مشکل دارد. ظرفیت محدود نوع انسان، اجازه برقراری چنین ارتباطی را نمی‌دهد. بنابراین خداوند هادیانی از جنس بشر برای انسان فرستاد، آن‌ها را در برابر گناه، عصمت یا مصونیت داد و مجزه به ابزار معجزه، کتاب، وسیله سنجش حق از باطل و قوانین عادلانه کرد؛ «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/۲۵) پس ایشان نه در مقام اثبات خدایی ناشناس، بلکه در جایگاه تذکر و تجدید شناخت خدایی هستند که

می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان است (ملک/۳-۴).

باور جدی به نظام احسن، موجب عدم شکایت انسان از تفاوت‌های خلقت شده، تفاوت‌ها را لازمه آفرینش نظام احسن می‌داند تا هر موجودی با توجه به تفاوت‌ها و امتیازاتش، کارایی ویژه‌ای داشته و عنصر مؤثر و مقوم نظام احسن به شمار رود. این وجوه تمایز سبب شناخت افراد، رفع نیازهای متقابل و امکان زیست جمعی می‌شود. همچنین موجب حاکمیت نظم بر جامعه، شکوفایی خرد انسانی و سایر توانمندی‌های بالقوه بشری است.

انسان معتقد به نظام احسن با خود می‌اندیشد؛ خداوندی که به احسن وجه ممکن، هدایت‌گر نظام هستی است، هرگز از تربیت روح انسان غافل نخواهد شد. پس اعتقاد به ربوبیت پروردگار باعث می‌شود، انسان ابتلائات و مصائب را عامل تربیت و کمال خود بداند، به جای اظهار نارضایتی، حکمتی الهی در پس مشکلات ببیند و «لِیَبْلُؤْكُمْ» (مائده/۴۸، انعام/۱۶۵، هود/۷، ملک/۲) را در هر امری مد نظر قرار دهد؛ در نتیجه با حفظ آرامش و بازنگری اعمال خویش، به راهکاری صحیح دست می‌یابد. چنین فردی شکرگزار نعمات الهی است و می‌پذیرد کاستی‌ها و مشکلات، راهی برای ظهور قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی و ارتقاء کمالات نفسانی است. در این نگاه، با توکل به خدا و اعتقاد راسخ به علم، قدرت، حکمت، خیرخواهی و محبت او، در مواجهه با مشکلات آرامش خود را حفظ کرده دچار، افسردگی و اضطراب نمی‌شود، مرگ را نه پایان زندگی بلکه حیات نوین و مقصدی ارزشمند می‌بیند و اضطراب مرگ برایش بی‌معنی است. دفع اضطراب مرگ نیز یکی از شاخص‌های مهم سلامت معنوی است.

گذشته از این، چنین شخصی یقین دارد برنامه و لوازم تکامل انسان در ساختار نظام احسن طراحی شده و باید آن را یافت؛ نه که ابداع کرد. «بر خلاف نظریه اگزیستانسیالیسم که معتقد است هیچ راه و مقصدی وجود ندارد بلکه انسان برای خود ارزش، راه و مقصد می‌آفریند» (۴۰). اعتقاد به راه و مقصدی الهی، انسان را به سمت «سُبُلَ السَّلَام» (مائده/۱۶) سوق می‌دهد و چون «برای هر سبیلی هدایتی است» (۴۱)، در پس پیمودن سُبُل سلامت و دوری از مکاتب منحط و منحرف، نهایتاً به «الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيم» (فاتحه/۷) هدایت می‌شود.

فرد معتقد به نظام احسن علاوه بر تنظیم رفتارش با خود و خدا، رفتارش با اجتماع و طبیعت را به سبب تعاملی که با آن‌ها دارد، براساس مکارم اخلاقی تنظیم می‌کند. در این حال از بی‌هدفی و افکار پوچ‌گرایانه و نهیلیستی رها شده، زندگی معنایی می‌یابد و معناداری زندگی از مؤلفه‌های سلامت معنوی است. در نهایت در پس این اعتقادات نوعی نشاط و رضایت‌مندی درونی برای انسان حاصل شده، قلبش سلیم، ضمیرش آرام و نفسش مطمئن و آماده ورود به جنت الهی می‌شود؛ این همان «سلامت معنوی است که در این دنیا برایش محقق شده است. زیرا سلامت معنوی از دیدگاه مکاتب الهی یعنی خداشناسی، خداجویی، خدا محوری، شناخت هدف زندگی، تلاش در جهت تکامل معنوی و خودسازی و توکل» (۴۲).

انسان به‌طور فطری معترف و مایل به اوست. همچنین انبیاء نه تنها در مقام ارشاد بلکه در مقام ابلاغ و ایصال، با تعیین مبانی معنویت، احیاء یاد خدا و جایگاه انسان در نظام احسن هستی، مبدأ و مقصد آدمی را به وی متذکر می‌شوند و با ایجاد و تقویت معادباوری در افکار و رفتار انسان، شرح وظایفش را برای داشتن سرانجامی نیکو همراه با سلامت معنوی و رفاه ابدی تبیین می‌کنند و عاقبت نافرمانی‌اش را به وی انداز می‌دهند. قرآن کریم ضمن تأکید فراوان بر ترکیه، یادآور می‌شود که ترکیه و تهذیب نفس باید طبق فرامین الهی صورت گیرد تا اتکاء صرف به عقلانیت، منجر به انحراف و تشکیل نحله‌های خرافی نشود. به قول امیرالمومنین علی علیه‌السلام «هدف از بعثت انبیاء، استکشاف دفینه‌های عقول است» (۳۹).

یکی دیگر از کارکردهای انبیاء الهی به‌عنوان محرک سلامت و تعالی روح، وجود خود انبیاء در نظام احسن به‌عنوان الگویی عینی، عملی و معنوی است. زیرا یکی از راه‌های معرفی یک موضوع، معرفی مصادیق عینی آن موضوع است. پس انبیاء با کارکردی دوجانبه، محرک سلامت روح بشرند.

بنابراین عقل و انبیاء الهی هر دو با هم مبین مبانی معنویت و معرفت شاخص‌های سلامت معنوی هستند و رابطه تلازمی با تحقق سلامت معنوی دارند. مؤید این ادعا حدیث نفس جهنمیان است که روز قیامت می‌گویند: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم» (ملک/۱۰). جمع میان سمع و عقل در این آیه، مبین این است که به کمک عقل و وحی می‌توان راه صحیح پرورش روح را شناخت و از عذاب جهنم رهایی یافت. بنابراین تحصیل سلامت معنوی یک فرآیند چندعاملی است و هیچ‌یک از عوامل به‌تنهایی محقق سلامت معنوی که هدایت‌گر انسان به سمت سعادت و سلامت ابدی باشد، نخواهند بود. بدیهی است هرچه خردورزی عقل و شکوفایی فطرت بیشتر و تحریف تعالیم انبیاء کمتر باشد، درجات بالاتری از سلامت معنوی حاصل می‌شود. تحصیل سلامت معنوی برای همگان مقدور است؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِقُونَ وَالتَّوَّابُونَ مِنَ اللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمَلٍ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (مائده/۶۹) و خداوند همه را به بهشت خویش دعوت می‌کند؛ «وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ...» (یونس/۲۵).

آثار اعتقاد به نظام احسن در تحقق سلامت معنوی

در نگاه معتقدان به نظام احسن، تمام اجزاء عالم، متصف به احسن است و وجود هر نوع کژی، اختلال و شر معنا ندارد؛ «ما تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ، فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ، ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا، وَهُوَ حَسِيرٌ»؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟! بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز

بحث و نتیجه‌گیری

زندگی معنی‌دار و هدفمند در دنیا و رفاه همه‌جانبه و ابدی در آخرت حاصل می‌شود.

هدف از خلقت هستی به‌ویژه انسان، مبانی تحقق سلامت معنوی، نقش عقل در تحصیل سلامت معنوی و آثار سلامت معنوی در زندگی فردی و اجتماعی انسان، وجه تشابه یافته‌های این تحقیق با مطالعات پیشین است. اما تفاوت این مقاله با مطالعات قبلی؛ درک یافته‌های مذکور از طریق اعتقاد به نظام احسن به‌عنوان آموزه‌ای عقلانی - دینی با تأکید بر استفاده همزمان عقل و وحی است. یافته‌های این مطالعه برای اثبات تأثیر اعتقاد به نظام احسن بر تحقق سلامت معنوی کافی است. ولی از آنجاکه مستندات وحیانی این مقاله از قرآن است اگر مقومات نظام احسن در مسیحیت و یهودیت بررسی و سپس با مقومات سلامت معنوی تطبیق شوند، تکمله‌ای بر این مقاله خواهد بود.

مقایسه انسان با سایر موجودات نشان از امتیاز او نسبت به سایرین به سبب وجود عقل، اختیار و اراده است. هدف خداوند از خلقت هستی به‌ویژه انسان و تخصیص منزلت او نسبت به سایر موجودات تعالی و کمال روح اوست. خدانشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و معادشناسی، در بطن نظام احسن نهفته‌اند و از مبانی سلامت معنوی می‌باشند. راه شناخت این مبانی، استفاده توأمان عقل و وحی است. همچنین ادله عقلی، فطری و قرآنی مثبت‌نظام احسن، از مبانی و مقومات سلامت معنوی است و سلامت معنوی هم، متفرع بر کمال انسان است. پس اعتقاد جدی به نظام احسن تأثیر به‌سزایی بر تحقق سلامت معنوی و در نهایت کمال ابدی انسان دارد؛ در اثر تحقق سلامت معنوی، نشاط و رضایت‌مندی درونی، امکان تعامل صحیح با جامعه و طبیعت و نیز

Perfection of the Universe and Signs That Lead One to Spiritual Health

Habibollah Yousofi^{*1}, Marzieh Abdolkarimi Natanzi²

Abstract

Background: Spiritual health is a complex issue because of differences in one's concept of spirituality, holistic view and world values; these matters need to be defined according to the specific views of each group. These beliefs involve theology, cosmology, anthropology and eschatology. Religion can provide prosperous guidance for the development of spiritual health. This paper seeks signs that lead to the development of Spiritual Health.

Methods: This paper was written via a library search (textual, software and digital resources) in a descriptive-analytic method. The position of man in the universe, the purpose of creation of mankind, the importance of spiritual health and the effects of belief in the perfection of the universe were sought for Signs that lead one to the development of spiritual health based on Quranic documents.

Results: Understanding perfection in the order of the universe, perceiving the privileged position of man in the hierarchy over other beings, and belief in the originality and survival of the soul results in understanding the essential purpose of creation, which is the perfection of man and the universe. Man cannot achieve the ultimate goal of creation (i.e. perfection of the soul) by relying on his own perception. Rather, the attainment of higher perfection requires the attainment of spiritual health through theology and education, revelations and following the divine prophets as role models.

Conclusion: In the perfection of the universe there are signs that lead one to attain spiritual health. Spiritual health will result in understanding the meaning of life, spiritual vitality, satisfaction with divine ordinances, no fear or anxiety of death, proper interaction with society, nature, and ultimately eternal happiness.

Keywords: Humans, Religion, Spiritual Health

منابع

1. Ibn Manzour M. Lisan AL-Arab. 4th ed. Beirut: Dar al-Fikr; 1993. V 12. P. 578.
2. Maulaf L. Al-Munjad fi Al-Iloghoah and Al-adab and Al-Olum. 17th ed. Beirut: Catholics; 1956. V 1. P. 818.
3. Raghieb Isfahani H. Mufradat Alfaz al-Quran. correct by: Safwan Adnan Dawoodi. 1st ed. Beirut: Dar al-Qalam, al-Dar al-Shamiyyah; 1991. P. 235.
4. Mostafavi H. Al- Tahghigh fi Kalamat Al-Quran Al-Karim. 1st ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1989. V 2. P. 22.
5. Ebrahimi Dinani Gh. General philosophical rules in Islamic philosophy. 3rd ed. Tehran: Publications of the Institute for Humanities and Cultural Studies; 2001. V 1, P. 402 [In Persian]
6. Mesbah Yazdi MT. Teaching Philosophy. 4th ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2015. V 1. P. 485-486 [In Persian]
7. Ibid, V 2. P. 488
8. Moghaddam GH. The Quran, the good system and lifestyle in the age of technology. Journal of Social Research, Islamic 2018; 24(118): 83-110. [In Persian]
9. Motahari M. collection of Works. Qom: Computer Science Research Center (Nour). Second Edition; 2017. V 23. P. 210 [In Persian]
10. Mesbah Yazdi MT. Teaching Philosophy. 4th ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2015. V 2, P. 486. [In Persian]

1. * Faculty Member of Islamic Education Group, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran
2. Student of Kowsar Kashan Seminary

11. Ghaemi Nia A. good system in the minds of the philosophers of Islam and Leibniz. Knowledge Journal 1996; 4(16): 7 [In Persian]
12. Najafi M, Mottaghi Z. Educational Messages Teaching the good system from the Islamic perspective. Journal of Islamic Education. 2010; 5(11): 11-134. [In Persian]
13. Ibid, p.201.
14. Saleh MH .A comparative study of the ontology and justification of evil in Jewish and Islamic philosophical theology (Relying on Ibn Meimoon views and the critical views of Martyr Motahari). Journal of Modern Religious Thought 2017; 13(50): 97-114. [In Persian]
15. Motahari M .collection of Works. 2nd ed. Qom: Computer Science Research Center (Nour); 2017. [In Persian]
16. Mesbah Yazdi MT. Teaching Philosophy. 4th ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2015. [In Persian]
17. Berenjkari R, Khodayari A. Islamic Humanology. 1st ed, Qom: Education Publication Office; 2011. [In Persian]
18. Zomorodian A. The truth of the soul. 4th ed. Tehran: Islamic Culture Publication Office; 1994. [In Persian]
19. Ibid, P. 39
20. Motahari M .collection of Works. 2nd ed. Qom: Computer Science Research Center (Nour); 2017. V 3. P. 476 [In Persian]
21. Ibid, V 4. P. 615
22. Yousofi H. The interaction of the soul and the body and the effects of the soul on the health of the body. Proceedings of the 3rd International Conference on Prophetic Medicine in Medicine. 2017 Dec 15-13; Shiraz, Iran; 2017: P. 70. [In Persian]
23. Mesbah A. Islamic approach to spiritual health. 2nd ed. Tehran: Hoghooghi Publications; 2013. P. 60. [In Persian]
24. Raghbi Isfahani H. Mufradat Alfaz al-Quran. correct by: Safwan Adnan Dawoodi. 1st ed. Beirut: Dar al-Qalam, al-Dar al-Shamiyyah; 1991. P. 421.
25. Dehkhoda A. Dehkhoda dictionary. No date. Tehran: University of Tehran Publications; 2006. V 2. P. 2763. [In Persian]
26. Bostani F. Abjadi Culture. Trans by: Mahyar R. 2nd ed, Tehran: Islamic Publications ; 1996. P. 842. [In Persian]
27. Demari B. Spiritual Health. 1st ed. Tehran: Medicine and Society Publications; 2011. P. 16. [In Persian]
28. Mohammadi A. Critique of the Theory of Divorce and Spirituality. Journal of Marefat Kalami 2011; 2(3): 115-136. [In Persian]
29. Motahari M .collection of Works 2nd ed. Qom: Computer Science Research Center (Nour); 2017. V 23. P. 146, 167. [In Persian]
30. World Health Organization. Handbook of Resolutions and Decisions. Voll.II; 1985. P. 5-6.
31. Ibid, Review of the Constitution. EB 10 1/7; 1997. P. 2.
32. Maref M, Asadi F. Factors to achieve spiritual health from the perspective of the Quran and Hadith. Journal of Basirat and Tarbiat Islamic 2017; 14(41): 9-40. P.10. [In Persian]
33. Azizi F, et al. spiritual health A New Dimension of Health. 1st ed. Tehran: Hoghooghi publications; 2014. P. 21. [In Persian]
34. Ibid, P. 17
35. Ibid, P. 20
36. Azizi F. Encyclopedia of spiritual health. 1st ed. Tehran: Shahid Beheshti University of Medical Sciences Publications; 2018. P. 60. [In Persian]
37. Dean Parvar J. Theological effects as narrated by Nahj al-Balaghah. 1st ed. Tehran: Nahj al-Balaghah Foundation Publications; 2013. P. 54. [In Persian]
38. Moghaddam GH. The Quran, the good system and lifestyle in the age of technology. Journal of Social Research, Islamic. 2018; 24(118): 83-110. p. 87. [In Persian]
39. Seyyed Razi MH. Nahj al-Balaghah(Subhi Salih). 1st. Qom: Hijrat; 1993. P. 43.
40. Shariati S, Ensafi Mehrabani S. A look at determinism and authority in the school of Islam and its educational implications. Quranic Studies Journal 2014; 5(17): 7-29. [In Persian]
41. Tabatabai MH. Al-mizan fi Tafsir Al-Qur'an. 5th ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with Qom Seminary Teachers; 1997. V 1. P. 35.
42. Furotan M. Islamic Spiritual Health from the Viewpoint of the late Professor Mohammad Mehdi Isfahani. Journal of Health Promotion of the Academy of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran 2017; 1 (Preface # 1): 22-30. P.26. [In Persian]